

در آستانه یک صدمین سالگرد ۸ مارس روز جهانی زن

بهزاد سهرابی

بیست چهارم بهمن ماه هشتاد و شش

۸ مارس ۱۸۷۵ یاد آور مبارزات زنان کارگر کارخانجات نساجی شهر نیویورک است. زنان کارگر کارخانجات نساجی شهر نیویورک برای بهبود شرایط سخت کار و اعتراض به پائین بودن دستمزدها دست به اعتراض زدند اما این اعتراض با برخورد قهر آمیز پلیس مواجه و به شیوه وحشیانه ای سرکوب شد.

در روز ۸ مارس ۱۹۰۷ مجدداً کارگران نساج آمریکا باخواست ۱۰ ساعت کار دست به اعتراض و راه پیمائی زده که این اعتراض نیز توسط پلیس سرکوب شد. سال ۱۹۰۸ حزب سوسیالیست آمریکا به تشکیل کمیته ملی زنان برای حق رای زنان در انتخابات اقدام و در همان سال کارگران زن بافنده با شعار ممنوعیت کار کودکان و کسب حق رای برای زنان دست به تظاهرات زدند که در نتیجه سال ۱۹۰۹ روز ۸ مارس بعنوان روز ملی زن در آمریکا اعلام شد و در سال ۱۹۱۰ در کنگره بین الملل سوسیالیستها که در شهر کینهاک بر گزار شد، "کلارا زتکین" زن مبارز و سوسیالیست، عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان، ۸ مارس را به پاس مبارزات خستگی ناپذیر زنان کارگر نیویورک بعنوان روز جهانی زن به کنگره پیشنهاد و این پیشنهاد به تصویب کنگره رسید.

۸ مارس ۱۹۱۱ در کشور های دانمارک، استرالیا، سوئد و آلمان در گرامی داشت این روز تظاهراتی بر پا شد. در ۸ مارس ۱۹۱۷ زنان روسیه به خاطر اعتراض به اخراج و افزایش قیمت ها و بستن کارخانجات دست به تظاهرات زدند. در سال ۱۹۷۵ از طرف سازمان ملل متحد این روز به عنوان روز زن اعلام و در سال ۱۹۷۷ یونسکو ۸ مارس را بعنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخت. سنت گرامی داشت ۸ مارس تا کنون ادامه داشته و هر ساله زنان معترض جهان به همراه دیگر انسان های آزادیخواه در اکثر کشور های جهان در این روز دست به اعتراض میزنند و خواست و مطالبات خود را در برابر قوانین و مناسبات تبعیض آمیز بیان و از منافع انسانی و طبقاتی خود دفاع میکنند.

آنچه گذشت تاریخچه بسیار مختصری از پیدایش روز جهانی زن و مبارزات زنان کارگر در جهت دستیابی به مطالبات خود و دیگر همسران نوشتاری بود که طی یک قرن به دلیل حاکمیت مناسبات تبعیض آمیز ادامه داشته و اکنون در جهت نابودی آپارتاید جنسی و احقاق برابری در تمامی شئون اجتماعی، همراه با دیگر انسان های عدالتخواه و برابری طلب مبارزات خود را پیش برده است. اینک این مبارزات از هم فکری و حمایت و گسترده ای برخوردار بوده و دفاع از منافع مشترک و انسانی و طبقاتی به عنوان رکن اساسی در این مبارزه سرلوحه خواسته ها ایشان می باشد. هم زمان با آن، زنان کارگر با توجه به توازن قوا و شرایط موجود در هر جامعه ای در برابر قوانین ضد زن ایستادگی کرده و دست به اعتراض زده و خواست های دموکراتیک خاصه زنان را ابراز و از این خواست ها دفاع

مینمایند.

امروز ما شاهد مناسبات تولیدی و روابط کار و سرمایه ای هستیم، که در آن زنان و مردان در عرصه کار و زندگی، به یک اندازه استثمار شده و در فضا ای آکنده به تما می اشکال ستمگرانه دست به گریبانیم که بیان هر خواست انسانی جرم تلقی شده و زن و مرد معترض، به این مناسبات به یک میزان دادگاهی و محاکمه می شوند و احکام صادره بدون تبعیض بر سر زنان و مردان نازل شده و در این هنگام است که چوبه دار بطور مساوی و برابر برای زنان و مردان معترض و برابری خواه بر پا می گردد و ما شاهد اعدام های بدون تبعیض هستیم !!

ما هر روزه شاهد پایمال شدن ابتدائی ترین خواست ها و امیال انسانی هستیم که توسط سیستم بورژوازی قهراً و با توجه به قوانین موجود بی مهلبا و در دم، به نام دفاع از ناموس و غیرت و فرهنگ خفه و سرکوب شده و زنان و مردان را سنگ سار و احکام قرون وسطائی را در مورد آنان به اجرا در میاورند. ما امروز شاهد فقر و فلاکت روز افزونی هستیم، که حامیان سر مایه و تمامی اعوان و انصار مدافع نظام سر مایه داری با تمام توان از این بی حقوقی ها به انحاه مختلف و با استفاده از تمامی مبلغان و ایدئولوگ های رنگارنگشان در هر طیف و منصب، از این بی حرمتی دفاع کرده و با ایجاد فضای اخلاقی و عاطفی همراه با رعب و وحشت به دور از یک دید واقعی، پرده ای ابهام آمیز بر روی این جنایت و وحشیگری ها کشیده تا بدین گونه بتوانند افکار عمومی را پذیرای آن نمایندوبه عنوان مدافعان سیستم سرمایه داری و باتوجه به تمامی امکانات از این مناسبات استثمارگریانه دفاع نمایند.

ما امروز شاهد بی حقوقی میلیونها انسان هستیم که در بدترین شرایط زیستی و معیشتی خود با این زندگی تحمیلی مالا مال از فقر و تحقیر، دست و پنجه نرم میکنند تا شاید بتوانند در آینده نه چندان دور، این مناسبات تبعیض آمیز را تغییر و به خواست های خود دست یابند. ما امروزه شاهد انیم که در مراکز کارگری در ازاء کار برابر دستمزد پائین تری به کارگران زن پرداخت میشود و رذالت و وقاحت را به جائی کشانده اند که کارفرمایان وقیحانه در صد دبر آوردن نیاز های جنسی خود گاهاً کارگران زن را مورد سوء استفاده جنسی قرار داده و حتی در بعضی از مراکز تولیدی و خدماتی در رختکن زنان با گذاشتن دوربین های مجهز آنان را از هر حیث مورد تحقیر قرار میدهند.

این تنها گوشه هائی از این دنیای وارونه و پراز فقر، تحقیر و تحجر و دور از روابط انسانی می باشد که خاصه نظام سرمایه داری بوده که هر روزه به خاطر عدم انسجام و پراکندگی توده های کارگر اینچنین به حرمت و کرامت انسانی دست درازی کرده و خود را مالک بلا منازع ما در تمامی موارد میدانند.

زنان و مردان کارگر؛

برای رهائی از این مناسبات تبعیض آمیز و از بین بردن تما می نا برابری های اجتماعی (در کلیه شئون خود) و پایان دادن به این آپارتاید جنسی و قوانین زن ستیز و لغو هر گونه استثمار انسان از انسان و دست یابی به یک زندگی شایسته انسانی، راهی جز اتحاد و همبستگی طبقاتی در پیش روی ما در ضدیت با کل مناسبات بورژوازی وجود ندارد. بی شک اولین گام در این راستا دست یابی به این مهم، یعنی ایجاد تشکلات توده ای طبقاتی کارگری می باشد. تاریخ مبارزه تا کنونی بشریت، بر سر تخصم، کشمکش طبقاتی و در جهت دست یابی به یک زندگی انسانی تا به امروز ادامه داشته است و تا آن هنگام که نظام سرمایه داری سایه شوم خود را بر جامعه گسترانیده باشد، ما شاهد

بی حقوقی هر چه روز افزون تر این مناسبات استثمارگرانه خواهیم بود و به تبع آن کارگران معترض و فعالین این طبقه، مورد هجوم قرار گرفته و هرروز ما شاهد دستگیری و زندانی شدن آنان می باشیم.

مراسم ۸ مارس امسال باید متفاوت از سالیان گذشته حول مطالبات طبقاتی، خود را سازمان دهی کند و آگاهانه از منافع کارگران و زحمتکشان و تمامی مزد بگیران دفاع و با دور اندیشی و پخته گی لازم به ایجاد تشکلات توده ای طبقاتی، جدای از جنسیت و ملیت و به دور از هر گونه مناسبات قومی و مذهبی و با حاکم کردن روحیه شورائی در ایجاد چنین تشکلاتی، تنها براساس مصالح و منافع و دید طبقاتی و همسو و هم گام با تشکلات کارگری حضور هر چه گسترده تری از زنان و مردان برابری خواه در جهت شناخت مطالبات خود و رسیدن به این خواست ها با داشتن استراتژی و آلترناتیو طبقاتی و با شناخت معضلات و براساس سبک کار مشخص، به کاری عملی و پراتیک شده ای دست زده، تا بتوانیم زمینه را برای بوجود آوردن دنیائی عاری از هرگونه تبعیض، زندان، اعدام و شکنجه فراهم کنیم و با حرکت همه جانبه ی طبقه کارگر آگاه و با درک ضرورت نابودی نظام سرمایه داری بر اساس منافع طبقاتی گامی موثر را برداشته تا دریک پروسه مبارزاتی و طبعا بسیار سخت اما ممکن، به رهبری و نیروی خود طبقه کارگر شاهد برپائی جامعه ای آزاد و برابر باشیم.

بهزاد سهرابی

۸۶/۱۱/۲۴